

جایگاه تروریسم در دفاع مشروع در قوانین جزایی کنونی

تالیف:

دکتر مهرباب رضایی

مدرس دانشگاه

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل نخست

ماهیت و تعریف تروریسم

فصل دوم

ماهیت دفاع مشروع

فصل سوم

تحول حقوقی تروریسم و دفاع مشروع در

عرصه بین المللی

فصل چهارم

تقابل دفاع مشروع و تروریسم

منابع و مآخذ

پیشگفتار

تروریسم واقعیته چندان جدید نیست اما در سالهای اخیر ابعاد و آثاری بی سابقه یافته است، تروریسم جان انسان ها را به مخاطره می افکند و با ایجاد حالت رعب و وحشت امنیت جامعه ملی را تهدید می کند. از سوی دیگر تروریسم می تواند صلح و امنیت جسمانی و پیشرفت جامعه بشری را در معرض خطر قرا می دهد بر این اساس در جامعه بین المللی لزوم مبارزه جهانی و همه جانبه علیه تروریسم به عنوان یک ضرورت

انکار ناپذیر مورد پذیرش قرار گرفته است. اکنون حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به یک رویکرد اساسی در تمام منازعات ناظر به نظم منطقه ای و جهانی و امنیت بین المللی تبدیل شده است. پس از واقعه یازده سپتامبر ایالات متحده به عنوان هدف عمده حملات تروریستی اقدامات متعددی از جمله «سیاست دفاع پیش گیرانه» را آغاز نموده است. در خلال این مدت جهان شاهد سقوط طالبان در افغانستان و رژیم بعث عراق بوده است. این تحولات که با مداخله نظامی و

توسل به زور محقق شد و با اصول حقوق مندرج
در منشور ملل متحد و سایر هنجارهای پذیرفته
شده حقوق بین الملل انطباق نداشت و نظم
جدیدی از حفظ صلح و امنیت منطقه ای و بین
المللی را ابداع نمود. شورای امنیت در ۱۲
سپتامبر یعنی کمتر از ۲۴ ساعت پس از این
حوادث تروریستی، تشکیل جلسه داد تا به این
موضوع رسیدگی کند. حاصل این نشست
اضطراری، صدور قطعنامه کوتاهی بود که،
برخلاف اغلب قطعنامه های پیشین شورای امنیت
در خصوص تروریسم، به اتفاق آراء به تصویب

رسید. در این قطعنامه (قطعنامه شماره ۱۳۶۸)، شورای امنیت، ضمن محکوم نمودن اعمال تروریستی در شهرهای آمریکا و اظهار همدردی با قربانیان و باز ماندگان حادثه، اعلام نمود که این اقدام تروریستی مانند هر عمل تروریستی دیگری، تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین المللی است. شاید مهمترین نکته قطعنامه ۱۳۶۸ تأکید شورای امنیت، بر شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی مطابق منشور ملل متحد است. به نظر می رسد شورای امنیت با درج چنین

عبارتی در قطعنامه اعمال تروریستی را نوعی «حمله مسلحانه» یا «تجاوز نظامی» را مورد تأیید قرار داده است. شناسایی «تروریسم» به عنوان «حمله مسلحانه» قاعدتاً دولت قربانی را مجاز می کند که، بر طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، برای دفاع از خود متوسل به نیروی نظامی شود. قطعنامه ۱۳۷۳ نیز، مانند قطعنامه قبلی، با رأی مثبت کم سابقه همه ۱۵ عضو شورای امنیت و در قالب فصل هفتم منشور صادر شد. در این قطعنامه مفصل، که احتمالاً جامع ترین قطعنامه شورای امنیت در مورد تروریسم بین المللی به شمار می

آید، ضمن تاکید بر قطعنامه های ۱۲۶۹ و ۱۳۶۸ اعلام شده که کلیه اعمال تروریستی بین المللی، از جمله اقدامات تروریستی اخیر، تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی است. یکی از نکات مهم این قطعنامه تاکید مجدد بر «حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی» است. به نظر می رسد شورای امنیت در صدد تاثیر توسل به زور بر ضد عاملان اقدامات تروریستی یا حامیان آنها به عنوان نوعی «دفاع مشروع» بوده است.

فصل نخست

ماهیت و تعریف تروریسم

دولت ها حق و وظیفه دارند از افراد واقع در قلمروی خود در مقابل هر گونه تهدیدی محافظت کنند، این تعهد در اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای و همچنین رویه بین المللی محاکم و ارکان قضایی و بشر قضایی بین المللی نیز مندرج است. دولتها براساس اسناد بین المللی متعدد موظف شده اند با تروریسم مبارزه کنند، این مبارزه شامل اتخاذ تدابیر گسترده ای هم در سطح بین المللی و هم در سطح ملی داخلی می

شود. تدابیری که هم ناظر بر پیشگیری از وقوع اقدامات تروریستی است و هم شامل سرکوب مرتکبان اقدامات تروریستی از طرق مختلف می گردد. اما تا زمانی که مفهوم تروریسم مشخص نگردد نمی توان دقیقاً مشخص کرد دولتها چه تعهداتی داشته و برای مبارزه با این پدیده لازم است به چه تدابیر و اقداماتی توسل جویند. همانگونه که دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود در مورد استراژی جهانی مبارزه با تروریسم، معتقد است نخستین گام برای از میان بردن

تروریسم، از میان بردن دلایل موجد آن است^۱.
در این فصل توجه بیشتری به مساله دلایل و
انگیزه های تروریسم می شود.

در این بخش به دو مساله اساسی پرداخته می
شود نخست آنکه تروریسم چیست؟

آیا می توان تروریسم را با توجه به انگیزه ها و
دلایل آن تعریف کرد؟ و اینکه چرا تعریف
تروریسم تا این حد مشکل و پیچیده است؟

^۱-secetary Generals keynote address to the closing plenary of the international summit on Democracy, terrorism and security "A Global strategy for fighting terrorism" , op. eit.

برای تعریف تروریسم در ابتدا به بررسی تروریسم از دیدگاه روانشناسی و اقتصادی پرداخته و سپس به بررسی انواع تحلیلات تروریسم در عالم واقع می پردازیم تا بتوان بهتر درک کرد که چرا ارائه تعریف جامع از تروریسم در سطح بین المللی مشکل است.

در نهایت باید دانست مبارزه علیه تروریسم تلاشی طولانی مدت و تقریباً دائمی است. اکثریت، معتقدند در این مبارزه نمی توان قاطعانه پیروز شد و هیچ زمانی نبوده که دولتی بتواند

قاطعانه اعلام کند تروریسم دیگر خطری برای کشورش نیست.

فصل اول: ماهیت تروریسم

واژه تروریسم از کلمه ترور به معنای ترساندن و وحشت است اما استفاده از این واژه به انقلاب فرانسه باز می گردد پس از اعدام لویی چهاردهم پادشاه فرانسه در ۲۱ ژانویه ۱۷۹۲ ضد انقلابیون شامل اشراف برای مقابله با این وضعیت گرد هم آمدند و در مقابل، رهبران انقلاب هم به این وضعیت واکنش نشان دادند. در جولای ۱۷۹۲ و

پس از ترور ژان پل مارات یکی از رهبران انقلاب، شورای ملی فرانسه به رهبری ژاکوبین کمیته دوازده نفری «امنیت عمومی» را ایجاد کرد و در ۵ سپتامبر ۱۷۹۲ فرمان ترور را برای مجازات مظنونان و مرتکبان این اعمال صادر کرد. در طول حکومت وحشت (ژوئن ۱۷۹۲ جولای ۱۷۹۶) که حتی طرفداران جمهوری را نیز در بر می گرفت ، هزاران تن دستگیر شدند ۱۷۰۰۰ نفر رسماً اعدام شدند و بسیاری در زندان ها جان باختند، مخالفان این کمیته که

دیگر از جان خود در امان نبودند به مخالفت با او پرداختند اما آنها نمی توانستند او را به ترور متهم کنند چرا که ترور سیاست کمیته بود با این حال این افراد از واژه « تروریسم » استفاده کردند، واژه ای که حالتی منفی و تحقیرآمیز داشت در نهایت در بیست و هفتم و هشتم جولای ۱۷۹۴ او و ۳۱ تن دیگر به جرم تروریسم اعدام شدند. پس از این حادثه تروریسم به سرعت در اروپا گسترش یافت اما با وجود آن عده بسیاری آنرا یک دکترین می دانستند و اکثریت معتقد بودند که تروریسم یک روش عملیاتی است.

از آنجا که پس از انقلاب فرانسه، حکومت های وحشت بسیاری در اروپا حاکم شدند این واژه برای توصیف رژیم هایی که از ترس استفاده کرده و بازداشت ها و اعدام های خود سرانه در آن وجود داشت به کار می رفت. استفاده جدید از این واژه بدان معنا نیست که تروریسم ریشه تاریخی ندارد. سراسر تاریخ بشر مملو از اقدامات تروریستی است. امپراطوران روم از تبعید و، ضبط اموال و اعدام برای منصرف کردن مخالفان حکومت خویش استفاده

می کردند، سلطان محمد عثمانی برای حذف رقبای تاج و تخت خویش در سال ۱۵۹۵ نوزده تن از برادران خود را کشت و در تاریخ ایران نیز پیروان حسن صباح نیز به همین روش مخالفان سیاسی خود را حذف می کردند.

مبحث اول: تعریف تروریسم در عرصه بین المللی

با وجود آنکه تروریسم امر جدیدی در عرصه بین المللی نیست و تاریخ بشریت اقدامات تروریستی متعددی را به خاطر دارد اما هنوز

امکان ارائه تعریفی مشخص و جامع از تروریسم ممکن نگشته است. این امر در وحله نخست به دلیل ماهیت پیچیده و گونه های مختلف تروریسم است و در وحله دوم به دلیل سیاسی بودن این پدیده است. مشروع بودن مبارزه های جنبش آزادی بخش و امکان توسل این افراد به هر روشی برای نیل به اهداف خود یکی از موانع اصلی ارائه تعریف از تروریسم در سطح بین المللی است. در طی چندین دهه دولت ها و نظریه پردازان حقوقی تلاش نمودند تعریف بین

المللی از تروریسم ارائه کنند که هم اصل قانونی بودن را لحاظ دارد یعنی بیش از اندازه موسع نباشد و هم از لحاظ ایدئولوژیک بی طرف باشد تا بتواند همه گونه های تروریستی را در بر گیرد.^۱ در هر حال باید تأکید کرد که تروریسم نوعی عمل یا فعالیت عملی است و باید بر اساس همین عناصر تعریف شود.^۲ تروریسم را می توان

۱- باید گفت شماری از کنوانسیون های بین المللی در مورد جرائم تروریستی وجود دارد، با این حال این کنوانسیون ها اقدامات مقتضی را بدون ارایه تعریف کلی از تروریسم ممنوع می دارند.

۲- پیتر فلیمینگ و مایکل استون، تروریسم سایر: پندار ها و واقعیت ها، ترجمه اسماعیل بقایی، تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی.....، ص ۱۳۳

« ارتکاب خشونت هدفمند یا تهدید به آن به منظور ایجاد وحشت و یا رفتار مقهورانه در قربانی و یا در ناظران آن عمل یا تهدید» دانست.

دایره المعارف عدالت کیفری تروریسم را با چهار ویژگی تعریف می کند:

۱- استفاده حساب شده از خشونت برای دستیابی به یک هدف سیاسی از طریق ایجاد جو رعب و وحشت یا زور.

۲- وجود جو وحشت یا ترس ناشی از به کار گیری خشونت یا تهدید به بکار گیری آن که منجر به ایجاد ترس پایدار نسبت به امنیت شخصی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا اجتماعی شود.

۳- الگوی سازمان یافته خشونت به منظور تأثیر گذاری و سیاست های دولت یا ترساندن مردم.

۴- رفتار خشن مجرمانه به منظور ایجاد ترس
برای دستیابی به اهداف سیاسی^۱.

مزیت این تعریف آن است که اقدامات
مجرمانه را نیز تروریستی می داند.

تروریسم یک جرم اتفاقی یا عادی نیست که
به طور تصادفی روی دهد. تروریسم پدیده ای
است که معمولاً برای نیل به اهدافی خاص یا

۳-John p.cranik, patriciaE.Gregor, counter terrorism
after ۹/۱۱: Justicea security and Ethics"

Reconsidered: matteh ew Bender^ company. Inc,
۲۰۰۵. Chapter۲. What is terrorism? Ccounter
terrorism p.۲۴

برنامه ریزی روی می دهد مثلاً اهدافی چون تغییر رژیم، پایان دادن به اشغال، گسترش یک ایدئولوژی خاص یا مقاومت در برابر دخالت خارجی. با وجود آنکه گاهی گروه های تروریستی برای دستیابی به حمایت از فعالیت های خود به جرایمی چون قاچاق مواد پول شویی، جرایم سازمان یافته و یا قاچاق روی می آوردند اما باید در نظر داشت که آنها اساساً با سازمان هایی که در این جرایم فعالیت می کنند متفاوت هستند و این تفاوت در زمینه رعایت حقوق بشر بسیار مهم است. مساله مورد مناقشه

دیگر در مورد تروریسم آن است که آیا عمل یک نفر را نیز می توان تروریسم نامید یا لزوماً تروریسم باید ناشی از عمل گروه باشد اگر چه رویه های متعددی در زمینه تروریسم نامیدن اقدام یک فرد نیز وجود دارد و از لحاظ امنیتی نیز بهتر است صرفاً اقدامات گروه ها تروریسم تلقی نشود اما بهتر است این واژه به اقدامات گروه اطلاق شود که خصلت پایدار تری دارد.

آنچه که جامعه بین المللی را بیش از پیش به مساله تروریسم متوجه کرد ترور بارتو و

الکساندر اول در سال ۱۹۳۷ بود. به دنبال این عمل دولت های فرانسه و یوگسلاوی رسماً از جامعه ملل خواستند تا ضمن بررسی موضوع تروریسم راهکارهایی برای مقابله با آن اتخاذ کنند. نتیجه فعالیت سه ساله شورا و مجمع عمومی تهیه پیش نویس دو کنوانسیون بود که در ۱۶ دسامبر ۱۹۳۷ طی یک کنفرانس بین المللی به امضای نمایندگان نزدیک به ۳۰ دولت رسید.

این دو کنوانسیون یکی « کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم » و دیگری « کنوانسیون راجع

به تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی» برای
محاكمه جرایم تروریستی بود^۱.

متأسفانه کنوانسیون پیشگیری و مجازات
تروریسم هرگز تصویب نشد و با بروز جنگ
جهانی دوم عملاً به بوته فراموشی سپرده شد. با
ظهور سازمان ملل و ایجاد نظم نوین جهانی و
بروز جنگ سرد مساله مبارزه با تروریسم وارد
عرصه جدیدی شد. در سال ۱۹۹۶ مجمع عمومی

۱- طیب، علیرضا، تروریسم: تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق، همان،

در اجلاس پنجاه و یکم در قطعنامه ۱۷۵۱/۲۱۰
دسامبر تصمیم گرفت کمیته ویژه ای برای تنظیم
یک معاهده بین المللی برای مقابله با بمب
گذاری تروریستی و پس از آن کنوانسیون بین
المللی برای مقابله با تروریسم هسته ای برای
تکمیل اسناد بین المللی موجود و امکان ایجاد
چهارچوبی جامع برای مبارزه با تروریسم ایجاد
کند.

صلاحیت کمیته ویژه در سال های مختلف
توسط مجمع عمومی تأیید و گسترش یافت^۱. اما
اساساً دو قطعنامه مجمع عمومی چهار چوب
کاری کمیته ویژه را مشخص کرد یکی اعلامیه
تدابیر ناظر بر حذف تروریسم بین المللی ()
قطعنامه ۴۹/۶۰ مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۴) و
اعلامیه مکمل اعلامیه ۱۹۹۴ تدابیر ناظر بر حذف
تروریسم بین المللی (قطعنامه ۵۱/۲۱۰ مصوب
۱۷ دسامبر ۱۹۹۶) مجمع عمومی در اجلاس

۲-Resolutions ۵۲/۱۹۴، ۵۲/۱۶۵، ۵۳/۱۰۸، ۵۴/۱۱۰ and
۵۷/۲۷.

پنجاه و هشتم خود ضمن گرامیداشت پیشرفت
کمیته در زمینه تهیه پیش نویس کنوانسیون جامع
در مورد تروریسم^۱ اعلام نمود که کمیته فعالیت
خود را ادامه داده تا تعریف تروریسم در ماده ۲
پیش نویس کنوانسیون تنظیم گردد.

۱- لازم به ذکر است که سازمان عفو بین الملل در مورد مفاد چنین
کنوانسیونی و عدم امکان رعایت موازین حقوق بشر در آن ابراز نگرانی
کرده است.

ماده ۲ پیش نویس تروریسم را چنین تعریف می کند^۱:

هر فردی که با هر وسیله ای به طور غیر قانونی و آگاهانه موجب ارتکاب موارد زیر شود، مرتکب جرمی در معنای مورد نظر کنوانسیون شده است:

۱- مرگ یا ایراد جسمی شدید به افراد

۲- اقدامات اخیر برای دستیابی به موافقت نامه بین المللی ناظر بر تعریف جامع از تروریسم شامل مذاکرات اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز می شود. در طول این مذاکرات پیشنهاد شده بود تروریسم در صلاحیت موضوعی (rationemuterise) دیوان قرار گیرد.

۲- ایراد خسارت شدید به اموال عمومی یا خصوصی از جمله اماکن مورد استفاده عموم، تسهیلات دولتی یا حکومتی یا محیط زیست.

۳- ایراد صدمه به اموال، سازمان ها و تسهیلات یا سیستم های مورد اشاره در بند پ این ماده که منجر به بروز خسارت اقتصادی عمده شده یا احتمال ورود چنین خسارتی باشد. با وجود آنکه هنوز در مورد عناصر این تعریف، توافق کاملی وجود ندارد اما برخی از عناصر این تعریف یا برخی از اشکال تروریسم از سوی

همگان به عنوان عناصر یا نموده‌های بی تردید
تروریسم پذیرفته شده اند.

مجمع عمومی در قطعنامه ۵۴/۱۶۴ به تاریخ
۱۹۹۹ اقدامات تروریستی را اینگونه توصیف می
کند: « اقداماتی با هدف نابود کردن حقوق بشر،
آزادی ها اساسی و دموکراسی و تهدید تمامیت
ارضی و امنیت دولت ها که باعث ناتوانی دولت
قانونمند و از میان رفتن پلورالیسم جامعه مدنی

شده و پیامدهایی سوئی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی دولت ها دارد^۱.

امروزه بیش از دوازده معاهده بین المللی در مورد برخی از اشکال تروریسم در سطح سازمان ملل تصویب شده است.

این کنوانسیون ها صرفاً برخی اشکال تروریسم را همچون ارتکاب اعمال تروریستی در

۳- Resolution ۵۴/۱۶۴, Human Rights and terrorism, dopted by the Genral Assembly, ۱۷December .

هواپیما^۱، توقیف غیر قانونی هواپیما^۲، و بمب گذاری در هواپیما^۱ حمله به مقامات ارشد

۴- کنوانسیون ممنوعیت ارتکاب جرائم و برخی اقدامات دیگر در هواپیما (کنوانسیون توکیو ۱۹۶۳ امنیت پرواز) نسبت به اقداماتی که بر امنیت (هواپیمایی در پرواز) تاثیر می گذارد، اعمال می شود و به فرمانده هواپیما اجازه می دهد در موارد ضروری و برای حفظ امنیت پرواز، تدابیر معقولی از قبیل محدود کردن هر کس که وی با دلیل معتقد است مرتکب چنین عملی شده یا می خواهد مرتکب شود، اتخاذ کند. این کنوانسیون دولت های عضو را ملزم می کند مجرمان را در اختیار گرفته و کنترل هواپیما را به فرمانده قانونی آن بسپارند.

۱- کنوانسیون مقابله با قویف غیر قانونی هواپیما (کنوانسیون لاهه، ۱۹۸۰ دزدی هواپیما) مقرر می دارد هر کس در هواپیمای در حال پرواز، به طور غیر قانونی و با توسل به زور یا تهدید توسل به آن، باعث ایجاد ترس، برای تصرف یا اعمال کنترل بر هواپیما شود یا شروع به چنین اعمالی کند مرتکب عمل مجرمانه شده است و از دولت های عضو می خواهد شدید

ترین مجازات را برای دزدی هواپیما در نظر گیرند و چنین مجرمانی را یا محاکمه کرده و یا مسترد دارند.

۲- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه امنیت پرواز هواپیمای خصوصی (کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱) اعمال خشونت هر فردی را به طور غیر قانونی و آگاهانه علیه افراد داخل هواپیمای در حال پرواز در صورتی که احتمال به خطر افتادن امنیت پرواز وجود داشته باشد، یا گذاردن وسیله انفجاری در هواپیما و شروع به انجام چنین اعمالی یا معاونت در ارتکاب یا شروع به ارتکاب چنین اعمالی را جرم می داند و از همه دولت های عضو می خواهد برای این جرم شدیدترین کیفر ها را پیش بینی کرده و یا مجرمان را محاکمه کرد یا آنها مسترد دارد.

۳- کنوانسیون پیشگیرانه و مجازات ارتکاب جرم علیه افراد مورد حمایت که حمله به مقامات ارشد دولتی و دیپلمات ها را ممنوع می دارد، فرد مورد حمایت بین المللی را رئیس دولت، وزیر امور خارجه، نماینده و مقام اداری یک دولت یا سازمان بین المللی تعریف می کند که تحت حقوق بین الملل در مقابل حمله حمایت می شوند. کنوانسیون از هر یک از دول عضو می خواهد که قتل، آدم ربایی، یا حمله به فرد مورد حمایت بین المللی، حمله خشونت آمیز به اموال و دارایی های اداری، اقامت گاه

و، گروگان گیری^۱، تصرف مواد هسته ای^۱،
فعالیت های تروریستی در کشتی^۲، بمب گذاری^۳

های خصوصی این افراد یا وسایل حمل و نقل چنین افرادی را و هم چنین تهدید و یا شروع به ارتکاب چنین اعمالی و یا هر گونه اقدامی که نوعی معاونت باشد، جرم شناخته و مجازاتی مناسب با شدت این جرم، برای آن در نظر گیرند.

۴- کنوانسیون بین المللی ممنوعیت گروگانگیری (کنوانسیون گروگانگیری ۱۹۷۹) مقرر می دارد که هر کس که فردی را توقیف، بازداشت، و یا وی را تهدید به قتل، صدمه و یا ادامه بازداشت کند بدین منظور که شخص سومی یعنی دولت، سازمان های بین المللی بین الدولی، فرد حقیقی یا حقوقی یا گروهی از افراد را مجبور به انجام یا خودداری از انجام عملی به عنوان شرط صریح یا ضمنی آزاد سازی گروگان کند، مرتکب جرم گروگانگیری مورد نظر کنوانسیون شده است.

را محکوم می کند. در رابطه با مفهوم حقوقی،

۵- کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته ای (کنوانسیون مواد هسته ای ۱۹۸۰) که به مبارزه با تصرف و استفاده از مواد هسته ای برای کشتن یا لطمه شدید زدن به افراد یا ایراد صدمه اساسی به اموال را جرم می شمارد.

۶- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیر قانونی علیه امنیت دریا نوردی ۱۹۸۸ که در مورد فعالیت های تروریستی در کشتی ها اعمال می شود رژیم حقوقی مشابه با رژیم تاسیس شده در مورد هوانوردی بین المللی ایجاد می کند که بر اقدامات علیه دریا نوردی بین المللی اعمال می گردد. این کنوانسیون از دولت ها می خواهد اعمال خشونت هر فردی را که به طور غیر قانونی و آگاهانه علیه افراد داخل کشتی ارتکاب می یابد، در صورتی که احتمال به خطر افتادن امنیت کشتی وجود داشته باشد جرم بشناسد.

۷- کنوانسیون بین المللی برای سرکوب بمب گذاری تروریستی ۱۹۹۷ رژیم صلاحیت جهانی نسبت به استفاده غیر قانونی و ظالمانه از مواد انفجاری و سایر ابزار های کشنده، در داخل یا علیه اماکن عمومی تعریف شده، به قصد کشتن یا ایراد صدمه جسمی شدید یا به قصد ایراد خسارت گسترده به اماکن عمومی ایجاد می کند.

کلمه تروریسم در برخی قوانین جزایی نیز به صراحت ذکر شده است. به عنوان نمونه در قانون جزای فرانسه به « عمل مجرمانه ای اطلاق شده که به صورت فردی یا جمعی و با توسل به رعب و وحشت و به قصد بر هم زدن شدید نظم عمومی ارتکاب می یابد»^۱

در این تعریف سه عنصر مهم نهفته است:

۱- استفاده از خشونت

۱- قانون جزای فرانسه، ۲۰۰۰، بند ۱ ماده ۴۲۱، ص ۲۵۷.

۲- با هدف ایجاد رعب و وحشت و عدم امنیت اگرچه الزاماً جماعت مورد نظر دچار ترس و وحشت نگردند.

۳- ایجاد فضای سیاسی متشنج از طریق بی ثبات کردن نظم عمومی

مطابق این تعریف ممکن است فردی مجموعه ای از جنایات خونین و خشونت بار را مرتکب شود و گروهی را مرعوب و وحشت زده نماید اما از آنجایی که از فعل او بی ثباتی فضای سیاسی حاصل نشده است عمل او از شمول این

تعریف خارج می گردد. قانون جزای فرانسه تروریسم دولتی را در بر نمی گیرد و از آنجایی که قانون جزای فرانسه جنبه داخلی دارد و در یک چارچوب دموکراتیک و مبتنی بر حقوق اساسی (ملی) اعمال می شود(اخراج مفهوم تروریسم دولتی) غیر منطقی به نظر نمی آید، لیکن در صحنه جهانی وضعیت متفاوت است در دوران انقلاب فرانسه ملاحظه گردیده، ریشه تروریسم در اعمال یک قدرت حاکم قرار دارد همچنان که تروریسم رژیم ناسیونالیست آلمان

هیتلری و همین طور استالینیسیم و حکومت های
دیکتاتوری متعددی که چهرهٔ قرن بیستم را سیاه
کردند چنین عملکردی داشته اند.^۱

مقررات مربوط به حقوق بین الملل بشر
دوستانه که در سطح جهانی پذیرفته شده است
برای حل مشکلات و مسائل زمان درگیری
مسلحانه از طریق ایجاد سلسله محدودیت هایی
در استفاده خشونت نقش بسزایی ایفا کرده است
بعد از جنگ دوم جهانی یکی از دلایلی که

تعریف تروریسم را با مشکل مواجه می ساخت
این بود که توسل به تروریسم یکی از روشهای
جنگ های آزادیبخش بودو با آن توجیه می شد،
با این وجود اگرچه در جریان کنفرانس
دیپلماتیک راجع به تاکید و توسعه حقوق بین
الملل بشر دوستانه در سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۴
اعطای وضعیت حقوقی بین المللی به جنگ های
آزادیبخش ملی، مورد پذیرش واقع شد اما این
دلیل بر این نیست که در چارچوب این مقررات
و به عنوان یک امر مختوم به کسانی که درگیر

چنین جنگ‌هایی هستند اجازه استفاده از روش‌ها و ابزارهای ممنوع داده شود^۱ حداقل در سطح کلی پاسخ حقوق بین‌الملل بشر دوستانه روشن است بر طبق برداشت مشترک و امروزی اقدامات تروریستی عبارتند از: اقدامات بی‌هدفی که علیه شهروندان غیر نظامی یا اشخاص و گروه‌های اجتماعی به اقتضای نژاد، فرهنگ، ملیت یا تعلقات اجتماعی و مذهبی ارتکاب می‌یابند. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بدون هیچ تردید و

۳- گروه تحقیق موسسه و دیگران، تروریسم و حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۶،

ابهامی حمله به جمعیت غیر نظامی و توده مردم و نیز کلیه اعمال تبعیض آمیز نژادی، مذهبی و غیره را منع می کند^۱.

اما با این حال به دلیل نبود توافق قاطع بین المللی در مورد معنای تروریسم گاهی مشاهده می کنیم که از واژه «تروریست» برای حمله به مخالفان سیاسی استفاده می شود در یکی از گزارش های گروه کاری ویژه سازمان ملل در مورد خط مشی مبارزه با تروریسم چنین آمده

۱- زمانی، سید قاسم، حقوق بشر دوستانه بین المللی، ۱۳۸۰، ص ۸۷-۸۶

است: تروریست خواندن مخالفان یا معارضان در طول زمان باعث نامشروع و خلا سلاح شدن آنها می گردد.

مبحث دوم: انواع تروریسم

همگان کمابیش از مفهوم تروریسم آگاه هستند اگرچه ارائه تعریفی از آن مشکل است، و همیشه برای ارائه تعریف مشترک از تروریسم مشکل وجود داشته است و این ناشی از آن بوده است که آن کسی که از نظر یک شخص

تروریست محسوب می شود از نظر دیگری یک
مبارزه راه آزادی است^۱.

اما شاید بتوان گفت کاربرد خشونت از پیش
طراحی شده و غیر قابل پیش بینی و تهدید به
خشونت برای به دست آوردن اهداف مشخص
تروریسم خوانده می شود^۲.

۲- میر محمد صادقی، حسین، ملاحظات در باب تروریسم، مجله تحقیقات
حقوقی، ۱۳۸۰، ش ۳۳، ص ۱۹۹

۳- گریفیتس، مارتین، مفاهیم کلیدی روابط بین الملل، ترجمه محمد
مجد، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۵۸۸

این توصیف، به معنای آن است که هر واقعه تروریستی را باید در بستر و شرایط ارتكابی آن ملاحظه کرد.

استفاده از روش خشونت آمیز برای نیل به هدف خاصی، عموماً سیاسی، علیه افراد بی گناهی که هیچ نقشی در اقدامات هدف اصلی نداشته اند، تقریباً عناصر مشترک در هر اقدام تروریستی است.

با در نظر گرفتن این عناصر به بررسی انواع تروریسم و تأثیر عوامل مختلف روانی، اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی در شکل گیری تروریسم می
پردازیم.

بند اول - تروریسم جنایی

تروریسم جنایی متضمن استفاده از ترور برای
جلب منفعت مادی یا روانی است. طبق این
تعریف تروریسم سیاسی و جنایی آشکارا با هم
متفاوتند برخی معتقدند تروریسم جنایی همان
تروریسم داخلی است چرا که وجه مجرمانه بودن

اینگونه از تروریسم بیشتر است.^۱ به ویژه آنکه اکثر دولت ها اقدامات تروریستی را غیر قانونی اعلام کرده اند. وقتی صحبت از حمله بدون تفکیک، آدم ربایی و قتل، بمب گذاری تروریستی می شود و اشاره به اقداماتی مجرمانه ای است که با هدف سیاسی ارتکاب یافته اند. با این حال سیاسی بودن این عمل نافی مجرمانه بودن آن نیست بدان معنا که انگیزه عمل یا قصد

۴-مایکل لیمن، گری پاترا، تروریسم به عنوان جرمی سازمان یافته، ترجمه

مرتکب ممکن است سیاسی باشد اما خود عمل جرم است.

مساله آن است که آیا دولتی که خود جرم را وضع کرده می تواند مرتکب جرم و به طور ضمنی اقدامات تروریستی شود. اجماع کلی وجود دارد که دولت ها می توانند مرتکب جرم بین المللی همانند تجاوز به دولت دیگر یا ارتکاب جنایات جنگی در هنگام درگیری مسلحانه شوند.

بند دوم - تروریسم دولتی

تروریسم دولتی هنگامی رخ می دهد که نظام های حاکم در روابط بین المللی و خارج از تشریفات دیپلماتیک تثبیت شده ، از خشونت استفاده می کنند یا تهدید به استفاده از آن می نمایند. این اصطلاح در دوران ریاست جمهوری ریگان برای اشاره به اعمال خشونت خفیف بر ضد اماکن دیپلماتیک و تأسیسات نظامی ایالات متحده متداول گشت. این شکل از تروریسم را با وقایعی مانند اشغال سفارت ایالات متحده در تهران در سال ۱۳۵۸ و نیز بمب گذاری های

صورت گرفته بر ضد پرسنل نظامی آن کشور در
خاور میانه مرتبط می دانند.^۱

گاهی اصطلاح تروریسم دولتی صرفاً به
عنوان وصفی اهانت آمیز برای اقدامی غیر قابل
قبول مانند سیاست استعماری معین یا تجاوز به
یک کشور به کار می رود.^۲ دولت ها معمولاً به
دلایل مختلف دست به چنین اقداماتی می زنند،

۱- مایکل لیمن، گری پاترا، تروریسم به عنوان جرمی سازمان یافته، همان،
ص ۲۰۳

۲- روزالین میگینز، حقوق بین الملل عام تروریستی، ترجمه زهرا کسمتی،
نشر نی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۱

برای نمونه گاهی برای تحقق آن دسته از اهداف سیاسی که از راه های دیگر قابل حصول نیست یا هنگامی که دولتی نمی تواند با دولت دیگر وارد درگیری مسلحانه شود یا این کار را به سلاح خود نمی بیند، از گروه های تروریستی حمایت می کند.

گاهی نیز دولت ها برای کسب قدرت در میان گروه های ایدئولوژیک و بدست آوردن طرفدار به اینگونه اقدامات دست می زنند.

اما مساله ای که مطرح می شود اقداماتی است که دولت ها به عنوان دفاع مشروع یا دفاع مشروع پیشگیرانه مرتکب می شوند. برای نمونه اقدامات ایالات متحده آمریکا همچون حمایت از شورشیان نیکاراگوئه، ربودن هواپیمای مصری حامل تروریست های رباینده کشتی ایتالیایی آکیله لانوریه به وسیله هواپیمای اف ۱۴ در سال ۱۹۸۵ یا عملیات هواپیمای آمریکایی برای ربودن قذافی در سال ۱۹۸۶ را هم می توان تروریسم دولتی دانست. موضع رسمی آمریکا آن است

که این قبیل اقدامات خصلتی دفاعی، کلافی جویانه و بازدارنده دارد.^۱ با این حال چنین روشی دو گانه ای نسبت به اقدامات بین المللی، خود می تواند عامل اصلی ایجاد زمینه ظهور پدیده های خشن همچون تروریسم باشد.

بند سوم - تروریسم ایدئولوژیک

۱- جیمز در دریان، گفتمان تروریستی، نشانها، دولت ها و نظام های خشونت سیاسی جهانی، ۱۳۸۲، ص ۹۲

تروریسم ایدئولوژیک معمولاً نوعی تلاش
برای تغییر قدرت سیاسی حاکم است.^۱

به اعتقاد برخی، تروریسم ایدئولوژیک
متضمن انقلاب است اما همیشه چنین نیست بدین
معنا که گروه های تروریستی معمولاً با یک
ایدئولوژی خاصی یا متفاوت از دولت، به مقابله
به آن می پردازند.

۲- طیب، علیرضا، تروریسم تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق، همان،

دولت در عصر حاضر، دولت دموکراتیک با فضای باز سیاسی و اجتماعی است که امکان رقابت همگان و رسیدن به قدرت را علی الاصول برای همه فراهم می کند.

مبحث سوم: ابعاد تروریسم

هدف از بررسی ابعاد تروریسم، نخست نشان دادن دلایل پیچیدگی این پدیده است. قابل ذکر است که دولت های غربی با انجام بحث در مورد ابعاد تروریسم در سطح سازمان ملل مخالفت کرده اند چرا که احتمال می دادند ممکن است

بحث از ابعاد باعث توجیه اقدامات تروریستی
شود^۱. اما به نظر نگارنده بررسی ابعاد هر پدیده
ای ما را در شناسایی هر چه بهتر آن کمک
کرده، و امکان اتخاذ تدابیر مؤثر علیه آن را میسر
می سازد.

بند اول - بعد روانی تروریسم

قبل از آنکه به علل روانی موجود تروریسم
پردازده شود ذکر چند نکته لازم است.

۳-christiane Bourloy annis – vrailas, " united
Nations Human Rights grandats as framework
condition for Anti- Terrorist measures" Anti-
Terrorist measures and Humman Rights.